آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج . پیشه وری

« بهای اشتراک »

سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان جزء دوائر صدی بیست تخفیف منظور میگردد

بهای آگهیها با دفتر اداره است

جای اداره :
(خیابان لالهزار - پاساژ بهار)

آژیر روزهای یکشنبه ـ سهشنبه ـ پنجشنبه منتشر میشود
این روزنامه عضو جبهه آزادی است

خبر امتیاز نفت شمال صحت پیدا کرد.

موضوع امتیاز نفت شمال ایران یکی از مسائل مهم روز شده است. با ورود آقای کافتارادزه معاون کمیسری امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی این موضوع جسته جسته در اوراق روزنامهها مشاهده میشد چون شایعات را نباید عنوان انتشار گرداند ما سعی کردیم تا اطلاع رسمی از بحث در اطراف آن خودداری بکنیم امروز این موضوع در کابینه تقریبا روشن شده و رسمیت پیدا کرده است. روز پنجشنبه مدیر روزنامه اطلاعات مصاحبهای را که با رئیس هیئت اعزامی شوروی یعنی با آقای کافتارادزه کرده بود انتشار داده و نیز خبرهائی که از مقامات دولتی بطور غیر مستقیم بدست رسید ثابت کرد که مابین دولت ایران و نمایندگان دولت اتحاد جماهیر شوروی در موضوع اعطای امتیاز نفت شمال توافق نظر حاصل شده طرح آن را برای تصویب مجلس شورای ملی تهیه کردهاند.

در مطبوعات ایران طوریکه انتظار میرفت مخالفتی تا این موقع مشاهده نشده بلکه بعضی از روزنامهها (حتی روزنامه اطلاعات هم) طبق سابقه و سبک خود اظهار خوشوقتی کردهاند.

فعلا به بحث در جزئیات نمیشود وارد شد زیرا از آن اطلاع دقیق و قطعی ومفصلی در دست نیست بهتر است در این شماره در کلیات صحبت بکنیم.

آیا دولت میتوانست جور دیگر رفتار بکند؟

البته اگر وضعیت اقتصادی و مالی و فرهنگی و تشکیلاتی ما اجازه میداد با سرمایه داخلی خودمان میتوانستیم تمام معادن نفت ایران را استخراج بکنیم کار بسیار مطلوبی بود. ولی ... در ... که در اطراف این قضیه از نقطه نظر سیاست بینالمللی و پاس موازنه تصادم منافع دول بزرگ عالم و ...

بقیه در صفحه ٤

تاریخ زندگانی کسی که فرمانده حقیقی نیروی نظامی لهستان است

ژنرال میخائیل رولا زیمیرسکی کیست ؟

ژنرال زیمیرسکی فرمانده نیروی ملی نجات لهستان

خبرگزاری ... وابسته به کمیته نجات ملی لهستان مقالهئی درباره تاریخ زندگی ژنرال میخائیل رولا زیمیرسکی فرمانده نیروی لهستانی که مستقیما برای نجات میهن خود می جنگند (نه آنکه در لندن ... میکنند) در اختیار ما گذاشته و ما برای اطلاع خوانندگان نقل میکنیم.

زیمیرسکی در ۱۹۰۹ که جوانی ... ساله بیش نبود برای استقلال میهن خویش آغاز فعالیت نمود از سال ۱۹۲۱ الی سال ۱۹۲٤ که در ارتش لهستان ... سمت ... را داشت در تشکیلات ... لهستانی ... و در ... کرد ... افسران

باقی در صفحه ٤

از روزنامه های قدیم

چه جور سیاحت میکردند

چه جور روزنامه مینوشتند

بقیه روزنامه سفر مازندران بدست خط مبارک مرقوم شد.

صبح هوا مه غلیظی داشت سوار اسب ... شده بعد از ... واحد ... فرسنگ مسافت دارد اما پنج فرسنگ نیز بیشتر بود ... فرسنگ ... همراه بودند ... راندیم راه ... از رود عبور نموده دست راست ... افتادیم همه جا رودخانه ... در میان جنگل بود ... والی ... آلوده ... از نوکرهای ظهیرالدوله را ... ... حکم دادیم مردم امداد نموده اسب را گرفتند ... صحبت ... هوا و ... ... جاده جنگل ... آلوچه و ... هوا و ... ... و ... ... می نمود.

موژیکها

داستان موژیکها از چخوف ترجمه آقای کریم کشاورز از چاپ خارج در اداره آژیر و ... بفروش میرسد.

۵-۲

تحولات سیاسی در بالکان

ز. بهمن ابراهیمی

خبر اخراج جمعی از افسران انگلیسی و آمریکائی بامر دولت شوروی از بلغارستان ممکن است مورد توجه و تفسیر ناظرین امور مسائل سیاسی واقع گردد و بعضی ها این واقعه را به سرعت تحولات سیاسی در آن کشور و منع مداخله نفوذ دولت های باختری اروپا در مسائل مربوطه با لکان نسبت دهند. این نظریه شاید تا حدی صحیح باشد ولی قطعی نیست زیرا بطوریکه اخبار واصله حاکی است از چندی باین طرف دسته هائی از نیروهای انگلیسی در جزایر یونان و خود سرزمین یونان پیاده شده اند و در این موقع که سر وحدت حکومت آتن مبهم و یا لااقل بروشنی اوضاع سایر کشورهای بالکان نیست این جریانات در خور مطالعه عمیق میباشد.

مسئله تشکیل یک حکومت مستقل و آزاد در مقدونیه مرحله جدیدی را در تحولات سیاسی بالکان باز میکند.

گرچه در باره سیر تحولی این جریان ... اطلاعات مبسوطی در دست نیست ولی مسلم است منطقه بیطرفی که وزیر اطلاعات ... از آن اشاره کرده بود همان منطقه مقدونیه ... است. وجود یک چنین منطقه ای برای جلوگیری از بروز اختلافات جدیدی ... کشورهای بلغارستان و یونان یک امر منطقی است در حال حاضر بطوریکه مقاله دبیر سیاسی روزنامه تایمز حاکی است روابط بین بلغارستان و دولت انگلستان چندان روشن ...

باقی در صفحه ۳

www.iran-archive.com

انتقاد هنری ۲ — بقلم ح . ا . سنجانی

بمناسبت نمایش ... میرزا کمال الدین

یک پرده از زندگانی اجتماعی

از ... در عالم تآتر دارد ... تآتر در ایران تازه داشت ... پیدا میکرد و چند هیئت تآتر ... تشکیل شده بود دو جوانانی از قبیل نوشین، دریابیگی و هنرمندانی مانند حالتی وغیره در آن شرکت داشتند و نخستین سنگ بنای تآتر را در ایران میگذاشتند بانوی هنرمندی که توانست در میان آنها قدعلم کند و بر اثر استعداد ذاتی خود در اندک مدتی مشهور شود لرتا بود.

لرتا با نمایشات هنرمندانهٔ خود

باقی در صفحه ۲

کاریکاتور روزنامهها

ترقی ملی ... را جلد شیر کرده بود نخست وزیر با ترس و بیم میخواست در برود رئیس مجلس ... و ... را بجای پایه قرار داده بالای تیر تلگراف رفته بود

در زیر نویس گفته میشد . نترسید شیر نیست فقط پوست شیر پوشیده است.

بابا شمل آقای طباطبائی را از کوزه آرای مجلس بیرون آورده در زیرنویس ایشان را بمناسبت تجدید ریاست مجلس تبریک گفته بود

هفته گذشته میتوان گفت کاریکاتوریست زن امروز با نشاندادن آقای سید ضیاء الدین و مخاطب کرد او شاهکار زده بود در شماره این هفته فقط دو آخوند دیده میشود دو زیرنویس میان جملات دیگر این جمله تصادف ده میشود

ای آقا تا مردم سواری میدهند باید سوار شد

-۳- از مجله استاندارد

اقتباس و نگارش ... مامور مدیر روزنامه شهباز

بهشت موعود

شگفت انگیز ترین تشکیلات اجتماعی

یک پهلوان متهور

یکدسته دیگر از پیشهمان کوچک ایرانگی بکار دشمن زدند (...) شهرت آن پیچیده و قرمچالس شده این دسته بوسیله جاسوسان کوچک خود اطلاع پیدا کرد که افراد پادگان آلمانی در بین خود از صدای بلبلی که هر روز در باغهای اطراف نغمهسرائی میکند تعریف میکنند و تصمیم گرفتهاند چند صفحه گرامافون از این صدا پر کنند. بچهها در صدد برآمدند که از این پیشآمد بنفع جنگجویان غیر نظامی استفاده کنند. یکی از آنها و هبت خدادادی عجیبی داشت : مثل بلبل صوت چهچهه میزد . مثل مرغ حق ناله میکرد : مثل خروس میخواند . هر کس که خود اورا نمیدید محال بود تشخیص دهد که چهچهه او چهچهه بلبل نیست

دام رنگ :

این جوان ... نام داشت ... پیشنهادی کرد . همه پیشنهاد اورا پسندیدند . جوان بسوی محل جنگجویان غیر نظامی رفته آنها را از نقشه خود آگاه ساخت . نقشهای فوقالعاده ماهرانه و عالی بود . روز بعد بجنگل رفته در نقطهای که میدانست آلمانیها برای پر کردن صفحه میآیند پنهان شد . یکدسته آلمانی بآنجا رسید و صدای چهچه بلبلی که در یک نقطه مخفی نغمهسرائی میکرد آنها را ... شروع به پر کردن صفحه نمودند . عیب این بلبل عجیب آن بود که پیوسته از آنها دور میشد و بداخل جنگل میرفت . آلمانها بیخبر هم او را تعقیب میکردند تا بوسط جنگل رسیدند

باقی در صفحه ٤

یک کار غلط

از قراریکه روزنامهها مینویسند گویا دولت در نظر دارد بنا بدعوت سفارت آمریکا از طرف مطبوعات ایران بخرج سفارت خانه مزبور چهار نفر نماینده بامریکا بفرستند گویا دولت بدون مشورت و مراجعه بمدیران جراید از طرف خود اشخاص معینی را برای این مسافرت تعیین کرده است.

این موضوع در محافل مطبوعاتی اثرات بسیار بدی بخشیده روزنامهنویسها نسبت بعملیات خود سرانه دولت عصبانی کرده است

ما هم بدون اینکه در شخصیت و صلاحیت نامزدها وارد شویم این کار را یکی از اقدامات بسیار مغرضانه و غلط دولت ساعد میدانیم .

برای روزنامه نویسها اقلا کفیل لازم نبود اگر تمام ملت را صغیر حساب کرده برای همه کفیل و نماینده را دولت بخواهد تعیین بکند روزنامه نویسها را باید استثنا کرد این ها ... این تحصیلات خنک امیرواند هر کس را بخواهند از طرف خودشان بفرستند نه بنام مطبوعات

پسر نماینده کار نکرده حقوق میگیرد

آقای رخشانی جواب بدهند

از قراریکه شنیده ایم فرزند آقای ملکمدنی نماینده مجلس شورای ملی بدون اینکه در سر میز و کار خود حاضر بشود از شرکت بیمه حقوق میگیرد خواهشمندیم آقای رخشانی علت این باجسبیل را برای خوانندگان روزنامه آژیر بیان فرمایند

دو کتاب از بزرگ علوی

ورق پاره‌های زندان . پنجاه و سه نفر

تکرار هنر است

یکی از منقدین در حق یاد داشت های ماداه‌دوساله می‌گوید این بانو که می‌توان گفت توانسته است روحیه و اخلاق و کردار معاصرین خود و محیط سیاسی پایتخت فرانسه را در نامه های تاریخی خود تصویر بکند مثل یك سپاهی است جلو اسب خود یعنی قلم را در دست دارد آن را بطرف مقصد و هدف خود میراند در راه نیز از گل چینی باز نمی ماند. علوی هم همین کار را می کند او با تعقیب رشته اساسی داستان از چپ و راست هم سخن می‌گوید ومطالب خارج موضوع هم با گوشه و کنایه ریشخند اشاره کرده رد می‌شود.

من همیشه می گفتم این مطالب خارج یك سخن است علوی از این مفهوم که خود من در سخنرانی های جلسات سری زندان بکار می بردم خوششی می‌آمد و ما این اصطلاح را در اوبیات هم وارد کرده بودیم.

علوی در نوشتن توسن قلم را کاملا آزاد میکرد ولی عنان او را کاملا از دست نمی دهد تا در این در هرجا که دلش می خواهد میتواند رشته کلام را پیدا بکند.

این آزادی و جسارت باو امکان می دهد تا با قلم فرسائی کرده به عمق باغ زندگی فرو رود و از آن جا برای خواننده گلهای خوش و تازه ای [illegible] علوی که گفتم باو اصلا موضوع را هرگز از دست نمی دهد و برای اینکه ذهن خواننده را با خود بهدف ببرد از تکرار پرهیز نمی‌کند ولی این تکرار هرگز [illegible] بلکه خواننده از آن خوشش میاید.

اصولا تکراری که از همه بهمرض شده است گناهی برای استاد آهنگی (هارمونی) و تقویت [illegible] بطور وحدت است.

مخصوصا تکرار های علوی بسیار بموقع بکار رفته است.

تو یادت (من بعد از [illegible] محکوم شده ام) را اگر تکرار نکرده بود داستان [illegible] و [illegible] در رقص مرگ یادآوری مرتب تکرار اسم (مرده) داستان را جان و زندگی می بخشد کلمه (عذر) هم در داستان [illegible] عمومیت [illegible] را دارد.

تکرار های علوی و صادق چوبك و صادق هدایت که تقریبا همه در تحت تاثیر ومارك نویسنده در غرب خبری است معتاد شده اند مثل ترجیع بندهاست که بهترین نمونه آن ترجیع بند معروف (بنشینم وصبر پیش گیرم دنباله کارخویش گیرم) سعدی است استاد هفتصد سال پیش یك بیت را در یك موضوع ۲۱ بار تکرار کرده است تکرار البته خوب است شنونده و خواننده را خسته و کسل میکند گوینده و نویسنده را مطعی و بی معلومات معرفی مینماید ولی اگر استاد تعمدا برای تقویت اثر آنرا بکار ببرد بسیار خوب و بسیار زیبا است.

اصلا نویسندگان خوب استادان واقعی همه کارشان خوب است دست استاد خطا نمیکند حکم استاد بی‌تاثیر است مانند شما بدهید یك بیت بسیار پیش پا افتاده را بیکنفر شاعر که میشناسید بنویسد آنرا با نوشته خوشخط‌ترین اشخاص مقایسه کنید بطور حتم از نوشته شاعر بیشتر لذت خواهید برد این افراق

نیست من در زندگانی خودم مکرر امتحان کردم مثل اینکه در دست استاد حروف معمولی جان میگیرد. من خیال میکنم نویسندگان با قریحه از روی فوق العاده خود نوشته یك نوع نیروی مرموز میدهند آن نیرو است که ما را جلب میکند و در تحت تاثیر مغناطیس (کهربائی) خود قرار میدهد.

باوجود این نویسندگان جوان تکرار توصیه نمیکنم مکرر تکه زحمت کشیده [illegible] استعمال آن را یاد بگیرند.

در [illegible] حال تکراری که علوی بکار برده است بدون آن نمی توانست سرور که مطالب را بوجه [illegible] و از نوشته خود نتیجه بگیرد اگر او این کار جسورانه را نمیکرد نوشته اش مانند کتب کلاسیك (دوسی) خشك کننده و بی روح میشد.

مقصود من [illegible] بودن علوی [illegible] [illegible] که [illegible] آن روزی علوی [illegible] [illegible] در آلوده [illegible] [illegible] زحمت [illegible] [illegible] زحمت [illegible] حالی شد.

در [illegible] گذشت آقای علوی [illegible] [illegible] آن شخص و آقای علوی [illegible] نمیتوانست [illegible] من خیال ضعیف در [illegible] تکرار [illegible] [illegible] که [illegible] در مجله [illegible] ورق پاره های زندان علوی [illegible] میشود.

معذرت و تصحیح

متاسفانه قسمتی شماره گذشته بدون غلطگیری چاپ شده و از این جهت در آن اغلاط فاحشی دیده میشد مثلا تیتر مقاله آقای فرجود [illegible] در صفحه [illegible] تحولات سیاسی دوران [illegible] در صفحه چهار تحولات سیاسی دوران چاپ شده بود.

مقاله بالا که در [illegible] اغلاط فاحش مفهوم نمیشد لذا از خوانندگان معذرت خواسته برای رفع اشتباه در این شماره تکرار کردیم.

آژیر.

رفع اعتصاب کار خانه بلور سازی وطن

در اثر مساعی شورای متحده کارگران وزحمتکشان ایران ۱۵۷۰۰ تومان مطالبات دو لیست از پنج لیست عقب افتاده کارگران داده شد و قدری هم مواد اولیه خریداری تا شاید در ترحیم [illegible] صاحبان کارخانه کارهای کارخانه ادامه داده شود.

شورای متحده کارگران

ضمنا آقایان تقی فداکار و مهدی کیمرام نماینده شورای متحده مرکزی برای تسویه ورسیدگی بامور کارگران بلورسازی وطن میباشند.

چاپخانه داوه

یك پرده از زندگانی

اجتماعی

بقیه از صفحه ۱

توانست ستارهٔ تآتر ایران شود و از آن زمان تاکنون شهرت خود را پیوسته حفظ کرده است.

ارتا رلهای تراژیك را خیلی خوب بازی میکند اما مثل اینست که دارای یك روح دراماتیك و احساسات تند و شدید است. درام را خیلی خوب میفهمد و بسیار عالی بازی میکند در صورتی که بانو خیرخواه از روزی که روی صحنه ظاهر شده است اغلب رلهای کمیك و شوخ را بازی کرده و مثل اینست که بهتر از سایرین [illegible] می‌پسندد.

بانو خیرخواه [illegible] استعداد [illegible] رلهای کمدی [illegible] است [illegible] [illegible] این است که [illegible] هنرمند که یکی [illegible] جوان [illegible] پیدا میشود [illegible] رلهای تراژیك [illegible] رلهای تراژیك [illegible] شده.

[illegible]

[illegible] در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ایجاد میکند [illegible] که اصلاح [illegible] [illegible] دارای سوابق بسیار خوب اخلاقی هستند واز خانواده های [illegible] و محترم تهران میباشند انتخاب شوند.

بهمن جهت موفق شده بودند برای دختر سه استخان در نمایش کمال‌الدین یکدختر خوشگل را بدون مطالعه این سراغ روی سن بیاورند.

دقت مخصوص رژیسور وسایر کارکنان تآتر فرهنگ در این قسمت قابل تقدیس است و این امر سبب میشود که تاتر یك حرفه بازاری معرفی نشده یك هنر بتمام معنی میان توده شناخته شود. همین مانع است که غالبا سبب میشود که رژیسور مجبور است از میان بانوانی که میشناسد و اطمینان دارد به یك ترتیبی برای ایفای رلهای مختلف انتخاب کند. ناتمام

مسابقه ادبی — بقلم ابوالقاسم

معهذا من باز هم نخواهم خورد!

-۲-

گفتم امریکای تازه کشف نکردی.

گفت تصدیق میکنم ولی تو آن زن گوشت آلود لهستانی را می بینی!

گفتم من آنرا مدتها است در خیابانهای تهران می بینم. گفت چند سال دارد گفتم دندانهایش را نشمرده‌ام گفت حتما پنجاه باید باشد. هنگام ورود مهاجرین لهستانی غیر از یکدست لباس خشن سربازی هیچ چیز نداشت حالا روزی چهار بار لباس عوض میکند.

ملت ما قصاب است گوشت دوست دارد با آن چشمهای ریز صورت پف کرده گربه‌ای در میان بازاریهای تهران سوکسه (موفقیت) عجیبی پیدا کرده است. آنها که اطرافش را گرفته اند همه بوالهوسان تازه بدوران رسیده کاروانسراهای بازار هستند. می بینی باچه زرنگی گوشت ران [illegible] خود را نمایش می‌دهد؟ فروشنده استادی است آن پسره که خود را باو چسبانده میخواهد همینجا کارش را بقزوین برساند از ارتش شاهنشاهی فقط بافروش روغن سال گذشته صدهزار تومان استفاده برد.

گفتم حالا من چکار کنم گور پدر هردو. منکه نیامده‌ام در اینجا دنیا را اصلاح کنم. گفت تو راست میگوئی اما این یکی را نمیتوانم بگویم نگاه کن آن زن را می بینی مانند عنکبوت دست و پای دراز و خشك خود را دور اندام رشید آن سرباز آمریکائی پیچیده بعقیده خود رقص میکند کلفت همسایه ما بود. روزی از خانم های او بایش که هووی یکدیگر بودند دو هزار فحش می شنید حالا در اثر افسون عشق برای خود خانمی شده است بازبان بین‌المللی (لال و کرها) هر روز ریش جنبان امریکائی جوان را حنا میبندد. آقای باغچه [illegible] نزد این استاد بزرگ زبان لالها را صد سال تحصیل بکند

واکنون از کجا معلوم مردیکه بالاو میرقصد معبر روزنامه بانو ستاده پس فردا نباشد و فردا از این مسمر کلفت یك داستان عشقی (لاف لیدل) بیرون نیاید و برای یکی از ستارگان سیاه چشم تازه بدوران رسیده هوالیوود موجب اشتهار نشود.

امریکائی از کجا میداند معشوقه سیه چرده ملیحش فاطمه سلطان کلفت همسایه ماست [illegible] [illegible] قرمه سبزی آشپزخانه کارمند تریاکی وزارت [illegible] که هنوز از لای گیسوانش [illegible] احساس میکند او در داستانی که بخواهد نوشت حتما فاطمه را از بانوان درجه یك ایرانی معرفی خواهد کرد، بلکه بمیرسانه سلاطین هانی منسوب نماید این دیگر بسته بسلیقه رفاقتاری اوست. توخیال میکنی رفقای امریکائیها تکان دامن بافت و [illegible] کمری خود را ملکه آفاق مسلك شرقی معرفی میکنند کوشان غیر از آقای رز قطعه سلطنت ما است آری خانم آلبان [illegible] از منهای پست و حقیر بیرون می آیند [illegible]

داستانهای هزار یکشبی هم بعدا از این قبیل جاها گرفته شده است. [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بجای آشیانه عشق [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] فاطمه سلطان لالی [illegible] [illegible] [illegible] خراب میکنند. تو خیال میکنی [illegible] [illegible] فیلمهای [illegible] غیر از دلالان محبت هستند!

گفتم من هم [illegible] از آن نویسنده که همه چیز را زشت می بیند بدبین تر میشوی یکی گوشت قصابی است آن دیگری عنکبوت است آن یکی چون کلفت خانه همسایه شما بوده (کشش بوی قرمه سبزی میدهد) حق ندارد قهرمان یك فیلم یا داستانی عشقی شریف واقع شود. راستی گلهای گوشتی که صادق چوبك با چه فن در روزنامه (مردم برای روشنفکران) نوشته بود خوانده‌ای؟ گفت آری خوانده حتی پشت چراغ قرمز را هم خواندم مگر چه بدی دارد؟ سپس زنهای توی سالون را نشان داده علاوه کرد. اینها همه گل های گوشتی هستند

مادر من هم گل گوشتی بودمادر بزرگ صادق چوبك (باجوبین) هم گل گوشتی بود مادر همه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] من در این تمثیل ندارم زن برای جلب مرد همیشه گوشت خودرا آرایش داده است این که تازگی ندارد. بعقیده من نویسنده گلهای گوشتی در انتخاب مرد اشتباه کرده بمرد تریاکی نمیتواند بگلهای گوشتی آن تمایل را نشان بدهد. قهرمان تریاکی از تکان خوردن ران های چاق و عیان کردن گلهای گوشتی آن حالت را پیدا نمیکند برای گلهای گوشتی آن جوری گرتن کلفت مفتخور بازاری خوب است.

ایده‌آل مرد تریاکی که گوشت [illegible] او چیز دیگر دوست دارد. برای سرگرمی او چمن و آب وسایه [illegible] است از گوشت ارزان رانهای خانم لالهزاری او چیزی نمیفهمد.

گفتم مطابکو حرص کلیمی چطور؟

گفت بسیار بد تو خیال میکنی محتکرین خردمانی که برنج را کیلو سه ریال خریده سه تومان میفروشند از یهودیها محتکر بهتر هستند؟

فلسفه بافی رفیقم داشت گل میکرد که خوشبختانه مستخدم بار (کارمن) دو بطری آبجوی خنك روی میز گذاشت. من از فرصت استفاده کرده گفتم رفیق خود را بگوچه علی چپ نزن قصه دکان بقالو را باید برایم بگوئی.

گفت داستان خنکی است بگفتنش نمیارزد.

گفتم تو آدم درستی نیستی حتما باید بگوئی دیوانگی تو سرچه گل کرده بود؟ برای چه مردم را جلو دکان جمع کرده بودی؟

گفت اولا حرف دهنت را بفهم من دیوانه نیستم خلم. گفتم قبول دارم اگر خل نبودی که باتو دوستی نمیکردم. گفت راست گفتی دیوانه چو دیوانه ببیند خوشش آید. گفتم آری. گفت پس گوش کن گفتم بگو گفت آیا میدانی من دوشیزه (ف) را دوست دارم گفتم نمیدانم اما از تو بعید نیست.

برای اینکه عشق بازیت هم باید مانند همه کارهایت عجیب باشد.

تحولات سیاسی در بالکان

بقیه از صفحه ۱

نیست و بطور کلی لحن روزنامه‌های آن کشور درمورد بلغار بهاجنبه دوستانه‌ای ندارد. ممکن است که این موضوع به تحولات سریع سیاسی در جنوب شرقی بالکان بستگی کامل ومستقیمی داشته باشد

کرچه جریان تحولات سیاسی را در بالکان ما در این مقاله حتی‌المقدور باختصار ذکر کرده‌ایم و در برخی موارد بیک‌اشاره مبهم و کوتاهی اکتفانموده‌ایم معذالک تصورمیرود که این‌موضوع برای تحریک حس کنجکاوی خوانندگان ما بمنظور درک حقایق امور وجریانات در این منطقه حساس از اروپا کافی‌ومؤثر بوده بنا بر این اگر بخواهیم بتکمیل گفتگوی خود بپردازیم درخاتمه‌لازم‌است نقش دولت ترکیه را نیز در این مورد تشریح نمائیم.

تا شروع جنگ کنونی دولت ترکیه یکی از دولتهای عضو اتحادیه بالکان بشمار میرفت. این موضوع یعنی‌شرکت یک‌دولت آسیائی دریک اتحادیه‌اروپائی شاید در اولین نظر مورد تعجب واقع گردد ولی اگر در نظر گرفته شود که یک‌قسمت ازتراکیه منطقه‌اروپائی ترکیه را تشکیل میدهد و بعلاوه یک چنین اتحادیه ای حائز هیچگونه اثر وارزش عملی نبوده‌و صرفا بمنظور مبارزه با سیاست نفوذ بطرف شرق دولت آلمان از طرف دولتهای با نفوذ باختر اروپا تشکیل یافته‌بود، مسئله کاملا حل میشود حال اگر با تأسیس حکومت مستقل مقدونیه یا تراکیه - تراکیه شرقی یعنی منطقه اروپائی دولت ترکیه از آنکشور منتزع گردد در این صورت‌شرط ورود یا شرکت دولت ترکیه در یک اتحادیه بالکانی از بین میرود گذشته از آن دولتهای بالکان عموما از نژاد اسلاوند و اگر درآینده اتحادیه‌ای نیز بین آنان تشکیل گردد تحت نظارت اسلاوهای شوروی نیز خواهد بود.

در حال حاضر دست دولت ترکیه از هر گونه مداخله‌ای در امور بالکان کوتاه شده واین‌موضوع عصبانیت شدیدی درمحافل سیاسی ترکیه بوجودآورده است روزنامه « آکشام» می نویسد « فقط دولت ترکیه میتواند دفاع از امنیت بالکان را تأمین کند ...» و از طرف دیگر « یالچین » از اینکه دولت شوروی قبل از مبادرت بتعقیب آلمانیها در بالکان با ترکیه مشورت نکرده اظهار عدم رضایت می‌نماید...»

روزنامه « ایزوستیا » در جواب این فریادهای عدم رضایت صریحا می نویسد: « علی الظاهر این قبیل یالچین ها در گرد باد حوادث بطور قطعی حس درک حقایق امور را فاقد گشته اند ...»

این موضوع قابل ملاحظه است زیرا در این‌موقع که اروپا و مخصوصا اتحاد جماهیر شوروی دقیقترین دوره های تاریخی خود را طی مینماید و موقعیت عملی‌نظامی وسیاسی برادردولت شوروی بقیمت فدا کاریهای فرد پیدا شده بسیار تعجب آور است دولتی که کوچکترین فدا کاری از جنگ کنونی تحمل نکرده ادعای همدوشی درمسائل بالکان را داشته باشد.

اگر اتحادیه بالکان واقعاً اتحادیه ثابت و پایدار و صمیمانه بود چرا در موقع حمله آلمانیها بیک‌یک آنکشورها نتوانست اقدامی بعمل آورد. وچگونه « جبهه تساهل و تعرض » پیمان نامبرده پشت پا داده شد و کوچکترین عکس‌العملی ابراز نگشت ...

آیا احتمال میرود در تحولات آینده سیاسی بالکان تنها دولتی که مداخله‌ای نداشته باشد و حساب نباید دولت ترکیه باشد مخصوصا دراین موقع که سرنوشت قسمت تراکیه باید هر چه زودتر تعیین بشود.

(پایان)

تامین میخواهیم

جناب آقای نخست وزیر . رونوشت جناب آقای رئیس مجلس شورای ملی - جناب آقای وزیر فرهنگ . فراکسیون آزادی . فراکسیون توده . رونوشت آژیر وجبهه آزادی.

روز پنجشنبه ششم مهرماه دختر دوازده ساله اینجانب علی‌اکبر ایمانی رئیس سابق مالیات بردرآمد باتفاق مادرش از خانه بقصد رفتن بمنزل یکی از اقوام از منزل واقع در دولاب خارج گردیدند . درخیابان اسمعیل بزاز نزدیک ایستگاه اتوبوس یکنفر کلاه پاپاخی جلوی آنها را گرفته و بعنوان اینکه چرا بدون چادر وچاقچور بیرون آمده اند بنای تعرض و فحاشی را گذارده و کار بی‌آبروئی و بدگوئی را بجائی رسانیده که طفل و مادرش دچار حمله عصبانی گردیده اند بنحویکه طفلم از شدت تاثر وحمله های متناوب دو روز از منزل نتوانست خارج شود و مادرش هنوز دچار حمله عصبی است اگر بعد ازاینهمه رنجها و ناملایمات واقعا زنها باید باحجاب و چادر و چاقچور بیرون بیایند چرا رسما بمردم اعلام نمیکنید ؛ همانطور که سابقا یک روز پاسبانها بجان زنها افتادند وهر کس‌حتی روسری‌هم داشت ازسرش برمیداشتند امروز اعلام بفرمائید که هیچ زنی بدون چادر و چاقچور نباشد تا آنوقت در تمام مدرسه های دخترانه راهم ببندید تازه آنوقت بدون زنها بعلت بی‌چادری درخانه بمانند زیرا خریدن چهارچادر یکهزار و دویست تومان پول میخواهد واین مبلغ معادل حقوق سه‌ماه من است.

جناب آقای نخست وزیر یکروز مامورین رسمی بدترین اهانت‌رانسبت بزنی که ولو برای پوشیدن سر کچل خود روسری سر میانداخت روا میداشتند و امروز مامورین بی‌ایمان ارتجاع و گماشتگان دستگاه بدبختی وسیاه روزی بجرم چاقچور دربای نداشتن همان‌کاررا میکنند وبااین ترتیب هیچکس تامین جانی وناموسی ندارد.

من چطور اطمینان کنم دخترم را بمدرسه بفرستم ؛ اگرهمه این وسائل برانگیخته میشود . اگر این اشخاص ماجراجو و بی همه‌چیز مخصوصا برای این گماشته شده اند که سلب آسایش ازمردم کرده و باعث این بشوند که بان وسیله درب مدرسه های دخترانه بسته بماند فرمائید مردم تکالیف خودشانرا بدانند. اینجانب مادام‌که طفلم تامین نداشته باشد چطور میتوانم بگذارم از خانه بیرون رفته بمدرسه برود؟ اگر بااین ترتیب بگذرد بایستی درب تمام مدرسه ها را بسته بندند و آب پاکی بروی دست ملت بریزند.

علی اکبر ایمانی

انجمن روابط فرهنگی ایران با اتحاد جماهیر شوروی

بنابر ماده یازدهم اساسنامه مجمع عمومی روز پنجشنبه ۲۰ مهرماه ساعت ۳ ونیم بعد ازظهر درمحل جدید خانه فرهنگ (خیابان پهلوی انتهای کوچه بوذرجمهوری خانه آقای دکتر مصدق) تشکیل‌خواهد یافت از آقایان اعضای انجمن اعم ازاعضای‌عادی واعضای موسس تمنی میرود حضور بهم رسانند . دستور جلسه : تصویب گزارش هیئت مدیره وترازنامه - تجدید انتخاب هیئت مدیره .

منشی انجمن سعید نفیسی

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۱۱ر۶ر۱۳۲۳ آقای سلیمان یزدی بوکالت از طرف آقای عطاءالله پینهاس کاشی طبق تقاضانامه شماره ۸۷۰ ساله ۱ر۶ر۲۳ باستناد یکبرگ گواهی نامه ورونوشت شناسنامه تقاضای گواهی نامه حصر وراثت نموده بدین توضیح که آقا جان پینهاس کاشی فرزند سلیمان دارنده شناسنامه شماره ۷۵۳۵ در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۳۲۲ درتهران جایگاه همیشگی خود فوت نموده وحین‌الفوت ورثه‌متوفی منحصر بدو نفر پسر بنام عطاءالله پینهاس کاشی بشناسنامه شماره ۷۸ و پرویز بشناسنامه شماره ۷۳۱ و چهارنفر دختر بنام بانوان فرنگیس وشاهجهان ومحترم که درحیات پدر بخانه شوهررفته‌اند و بانو پروین بشناسنامه شماره ۶۳۸ ویکنفرعیال دائمی بنام بانو حشمت بشناسنامه شماره ۱۷۵۳۴ غیر از این ۷ نفر نامبرده ورثه دیگری ندارد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار در مجله رسمی وزارت دادگستری و یکی از روزنامه‌های مرکز باطلاع میرساند که هر کس نسبت بتقاضای مزبور اعتراضی دارددرظرف مدت مرقوم تقدیم والا پس از انقضاءموعد گواهینامه صادر خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت‌نامه از متوفی دارددر ظرف مدت مزبور ابراز والاهروصیت نامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

نوبت دوم ۱۶ر۷ر۲۳ شماره ۳۴۱

رئیس کل دادگاههای بخش تهران علی‌اکبر امامی‌اهری

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۲۲ر۵ر۱۳۲۳ - آقای هایک موول بوکالت ازطرف آقایان راجاد کورکین آقاروبیان سلماسی طبق تقاضانامه شماره ۷۸۰ ساله ۱۶ر۵ر۲۳ باستناد یکبرگ گواهی نامه ورونوشت شناسنامه ووکالت نامه تقاضای گواهی نامه حصروراثت نموده بدین توضیح که آکرب آقاروبیان سلماسی دارنده‌شناسنامه شماره ۳۳۲۴۷ درتاریخ ششم مرداد ماه ۱۳۲۳ درتهران جایگاه همیشگی خود وفات یافته ورثه متوفی منحصربه دو پسر بنام آقای راجاد آقاروبیان سلماسی به شناسنامه شماره ۱۸۳۴۶ و کورکین آقاروبیان سلماسی بشناسنامه شماره ۱۸۸۸۵ غیرازدونفر نامبرده ورثه دیگری ندارد پس‌ازشنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار درمجله‌رسمی وزارت‌دادگستری ویکی‌ازروزنامه‌های مرکز باطلاع میرساند که هرکس نسبت بتقاضای مزبور اعتراضی‌دارد درمدت مرقوم تقدیم والا پس ازانقضای موعد گواهینامه صادرخواهدشد ونیزدرصورتیکه وصیت نامه‌ازمتوفی نزد کسی موجودتااین‌تاریخ رسما ابراز وافتتاح‌شده درهمان‌مدت‌بداد که تسلیم نماید وبعدازگذشتن مدت مزبور هر وصیت نامه غیراز رسمی وسری ابرازشود ازدرجه اعتبار ساقط خواهد بود. نوبت‌اول ۱۶ر۷ر۲۳

ش - ۳۵۱ رئیس کل دادگاههای بخش تهران علی اکبر امامی اهری

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۹ر۷ر۱۳۲۳ آقای هایک موول بوکالت ازطرف بانو ماشاموسی‌اف باستناد یکبرگ گواهی نامه ورونوشت شناسنامه و درخواست شماره ۲۳ر۱ر۹۷۸ داده باینکه آرشاک موسی‌اف دارنده شناسنامه شماره ۲۷۷۳۹ درتاریخ ۲ر۶ر۱۳۲۳ درتهران جایگاه همیشگی خود فوت وحین الفوت ورثه‌متوفی منحصر به یک‌عیال دائمی بنام بانو ماشاموسی‌اف راتیان بشناسنامه شماره ۱۴۶۶۹ ویک دختربنام بانو واروارا موسی‌اف بشناسنامه شماره ۱۵۷ غیراز دو نفر نامبرده ورثه دیگری ندارد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی یکبار آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد ونیز اگر کسی وصیتنامه از متوفی دارد درظرف مدت مزبور ابراز و الاهر وصیتنامه غیراز رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود نوبت‌اول ۱۶ر۷ر۱۳۲۳

رئیس کل دادگاههای بخش تهران - علی اکبر امامی اهری

ش - ۳۵۲

اجاره داده میشود

یک طبقه از خانه دارای سه اطاق بزرگ آشپزخانه ودست‌شوئی وانبار و راه مجزا واقع درخیابان پهلوی مقابل پل کرج کوی دهقانی کوچه کامجو منزل شیدفر باجاره داده میشود طالبین بمحل رجوع فرمایند

بقلم آناطول فرانس — ترجمه کریم کشاورز

برفراز سنگ سفید

۹

تلگراف وتلفون بی سیم درسرتاسر اروپا تعمیم یافته بود وبقدری استعمالش آسان شده بود که فقیر ترین اشخاص میتوانست بمیل خود بایک شخص دیگری که در قطعه دیگر کره زمین قرار داشت صحبت کند . در مسکو سخنان زعمای کولکتیویست مانند باران‌می باریدو روستائیان‌روسی‌در بستر خود نطق‌های رفقای مارسی وبرلن را می‌شنیدند. درهمین حال‌راندن بالونها وهواپیما هاکاری آسان وعملی شده این امر سرحدات را حذف کرده.

لحظهٔ خطرناکی بود. درمیان اقوام مختلفه که نزدیک بود متحد شده و بیک بشریت وسیعی مبدل شوند حس وطن پرستی بیدار شد. در تمام کشورها ایمان‌ملی دوباره شعله ورگشت وبرقی زد . ازآنجائیکه دیگر شاه وارتش و شرافتی وجود نداشت این نهضت عظیم صورت عمومی وپرشوری پیدا کرد. جمهوری فرانسه جمهوری آلمان وجمهوری انگلستان وجمهوری رومانی و جمهوری ایتالیا وحتی سویس وبلژیک باتفاق آراء پارلمان های‌خود ودر میتینگهای پرجمعیت تصمیم گرفتند تا کشورهای‌خود وصنایع‌ملی خویش رادرمقابل هرتهاجمی که از خارج بعمل آید دفاع کنند. قوانین سختی وضع شد که عبور بی‌اجازه هواپیما ها را مستلزم کیفرسختی دانسته و استعمال تلگراف‌بی سیم را تنظیم‌میکرد. در تشکیلات مجلس‌های ملی همه‌جا تجدید نظرشد و بت کل ارتش‌های دائمی‌قدیم درآمد. لباس های متحدالشکل قدیم وچکمه‌های سربازان وپر کلاه زارها دوباره پدیدار گشت. درپارس برای کلاه پوستی‌های عهد عتیق دست میزدند. تمام دکاندارها وعده ای ازکارگران‌بیرق‌سه رنگ را علم کردند. درتمام مراکز فلز کاری توپ و ورقه‌های زره میساختند.

جنگهای موحشی انتظار میرفت. این‌جنبش جنون آمیز سه سال تمام دوام پیدا کرد و به مانعی برنخورد و بعد بطور غیر محسوسی از سرعتش کاسته شد. ملیت ها کم کم هم ازحیث ظاهر وهم باطن جنبهٔ مسالمت پیدا کردند. اتحاد ملل که بنظر میآمد به مستقبل بعیدی محول شده

نیروهای صلح و سلم‌روزبروز نمو میکرد. کولکتیویست‌ها روزبروز بیشتر درجامعه رخنه کرده ومسخرش میکردند. روزی رسید که سرمایه داران مغلوب وقدرت را تسلیم ایشان نمودند.»

من فریاد برآوردم « چه تغییر عظیمی ! در تمام تاریخ چنین انقلابی نظیر ندارد.»

مورن گفت :

ــ « بدیهی است که اصول کولکتیویزم درآن لحظه که میبایست بیاید آمد. اگر سرمایه و مالکیت شخصی که دوشکل از اشکال ثروت هستند تقریبا عملا ازطرف‌مردم زحمتکش منهدم‌نشده بودو بالاخص ترقیات علم وصنعت‌موجبات‌انهدام‌آنرا فراهم نیاورده بود سوسیالیست‌ها نمیتوانستند باین عمل مبادرت ورزند. چنین گمان میرفت که نخستین کشور کولکتیویست آلمان خواهد بود. حزب کارگر آنجا صد سال بود که متشکل گشته و میگفتند که « سوسیالیزم مخلوق آلمان است ». معذالک فرانسه که کمترآماده بود از آلمان جلو افتاد. انقلاب اجتماعی نخست در لیون و لیل و مارسی آغاز گشت و سرود بین‌الملل در این‌شهرها طنین‌انداز شد پاریس پانزده روز مقاومت کرد وسپس پرچم سرخ را برافراشت. فقط یک روز بعد از پاریس برلن تشکیل دولت کولکتیویست را اعلام نمود. پیروزی سوسیالیزم باعث اتحاد ملل گشت.

www.iran-archive.com

خبر امتیاز نفت شمال

بقیه از صفحه اول

گفتگوی بیطرفانه با بعضی از تجار بیغرض و سرمایه داران متمکن نمودیم با این نتیجه رسیدیم که این یك خیال محال و (یك اتوپی) غیر عملی بیش نیست.

اگر با این امید بنشینیم باید از استفاده ذخائر گرانبهای زیر زمینی خود چشم بپوشیم بقول نویسنده روزنامه اطلاعات فقر و بیچارگی و فلاکت و ادبار را ادامه دهیم.

میرزا ملکم خان نیم قرن پیش فریاد میکرد که ایران باید از عطالت و مهملی و بیکاری دست برداشته برای استخراج معادن و استفاده از منابع ثروت طبیعی خود اقدام بکند. او میگفت ممالك دنیا از حیث اقتصاد باندازهٔ بهم نزدیك شده‌اند حکم یك ماشین را پیدا کرده‌اند ایران تقریباً یکی از حلقه‌های کوچك آن است ما اگر هم بخواهیم نجنبیم ما را خواهند جنباند زیرا فلج ماندن ما باعث خرابی ماشین اقتصادی دنیاست.

امروز دنیا برای خاطر چشم و ابروی ما راضی نخواهد شد ذخیره گرانبهای نفت را زیر زمین نگهداشته نگذاریم مورد استفاده واقع بشود. البته اگر زور داشتیم و میتوانستیم با تمام عالم بجنگیم و در کشور خود دیوار چین بکشیم شاید این امکان پذیر بود ولی باوضع کنونی این شدنی نیست.

اینجا باید از راهی داخل شد که کشور ما بتواند حد اکثر استفاده را بکند.

بگذار صریحتر بگوئیم تصور بکنیم دولت پهلوی مانند ایجاد راه آهن با غارت کردن مملکت و از بین بردن بنیه مالی مردم معادن نفت را هم استخراج کرده بود. آیا ما میتوانستیم با صلاحدید خود … با شروع جنگ عالمگیر که بزرگترین اسلحه آن نفت است آنرا از هجوم متفقین خود محافظه بکنیم؟

تازه این برای چه لازم بود مگر شما خیال میکنید از اینکه راه آهن سرتاسری این کشور برای رساندن آذوقه بقشون سرخ مورد استفاده واقع شد ملت ایران پشیمان است؛ برعکس من تصور میکنم ایران علاوه بر منافع همکاری اقتصادی در آینده انتظار میرود منافع سیاسی بسیار بزرگی از این راه تحصیل خواهد کرد.

وانگهی استخراج نفت شمال یك موضوع ساده و روانی نیست … چند نفر سرمایه دار هر کدام … روی هم گذاشته آنرا بکار بیندازند در این کار علاوه بر سرمایه هنگفت کوشش و اداره آن از هم میسر راه و بازار و سابقه … لازم است میان تجار … میدان داده نمیشود از وضعیت دولت و کارهای … اطلاع … تنها دو راه بیشتر باقی نمیماند یا باید امتیاز خارج داده شود یا نفت در زیر زمین بماند.

بطوریکه گفتیم راه دوم امکان پذیر نیست و زودمان آن هر گز نمیرسد … تنها باید در فکر اول … بکنیم.

سقوط تعادل سیاسی

بعضی از دانشمندان و رجال محترم ایران حفظ تعادل ما بین همسایگان جنوبی و شمالی را ضامن استقلال ایران دانسته‌اند غلط یا صحیح امروز هم این عقیده طرفداران زیادی دارد. اینها میگویند سیاست غلط رضا خانی این تعادل را بهم زده یکطرفی کرده بود از این جهت بیست سال قسمتی از منابع طبیعی ایران فلج شده و قسمت دیگر هم بشکلی در آمده بود که ملت ایران نمیتوانست از آن بقدر کافی استفاده نماید.

تعادل یا حرف که بیست تعادل سیاسی بدون تعادل اقتصادی امکان ندارد.

مادام که ملت ایران حاضر شد با آن شرایط نحس امتیاز نفت جنوب را تمدید بکند حقش بود راجع بنفت شمال هم با دولت اتحاد جماهیر شوروی در تحت شرایط مناسب تر و مفید تری برای ایران کنار بیاید.

اینها میگویند الف را که گفتیم نبایستی از گفتن ب خود داری کرده باشیم بعقیده ما هم گفتن الف تنها غلط است و غیر از ایجاد کدورت ثمری ندارد نتیجه ایجاد کدورت و نا رضایت را هم قضیه شهریور تصور میکنیم کاملا بما نشان داده باشد.

چرا خودمان مستقیماً کنار نمی‌آئیم؟

وانگهی وضعیت جغرافیائی معادن شمال ایران طوری است که بدون کنار آمدن با اتحاد جماهیر شوروی هیچ دولتی نمیتواند از آنها استفاده نماید.

اگرچه این یك اعتراف تلخی است ولی باید گفت تا مطلب روشن بشود. تا بحال علت اینکه دول دیگر نتوانسته‌اند جدی تر وارد عمل بشوند همین بوده است شاید بسیاری از سرمایه داران خارجی حاضر باشند امتیاز را از ما گرفته با دولت شوروی روی آن سازش نموده برای فروش نفت ایران راه باز کنند.

عملا نیرومندترین دول عالم هم غیر از این چاره دیگر ندارند.

مادامیکه اینطور است چرا خودمان مستقیما و بدون دخالت دیگران نبایستی این کار را بکنیم؛ از این نقطه نظر و از نقطه نظر های اساسی دیگر یکه در شماره های آینده خواهیم نوشت ما اصولا پیشنهاد دولت شوروی را برای مردم ایران مفید و عملی میدانیم. و خیال میکنیم هرچه زودتر این مسئله جریان بیفتد بهتر است.

انتظارات ما

ما انتظار داریم اساسیترین و جدی ترین شرط امتیاز نفت شمال استخراج سریع آن باشد.

شاید آقای کافتارادزه و سایر نمایندگان اتحاد جماهیر شوروی از وضعیت ناگوار مردم شمال بی اطلاع نباشند و بهتر دانسته باشند که خطر بیکاری عده بیشماری در پیش است هم اکنون در مرکز و در شهرستانها این خطر شروع شده است. اگر معادن بکار بیفتد عده زیادی میتوانند در آن مشغول بشوند و بازار هم رواجی بگیرد؛ وانگهی تصور میکنیم و انتظار داریم که تمام کارگران و کارمندان حتی کار شناسان این بنگاه (باستثنای کارشناسانیکه هنوز در ایران یافت نمیشود) ایرانی باشد.

سهمیه و منافع که جای خود دارد ما آرزومندیم برای تعمیم معارف و بهداری و آبادی شهرستانهای شمال از منافع نفت سهمیه ویژه مقرر شود.

از همه مهمتر بعقیده ما شرایط کار و مزد کارگر و کارمند است که ما آرزومندیم از شرایطیکه در معادن اتحاد جماهیر شوروی مرسوم است پائین تر نباشد.

علاوه بر این ما انتظاراتی مفصلتری داریم که بعد از اعلامیه رسمی و تفصیلی آن خواهیم نوشت.

بهشت موعود

بقیه از صفحه ۱

ناگهان خود را درمیان عده‌ای جنگجویان غیر نظامی محصور دیدند. بلافاصله همه اسیر شدند بدون اینکه بتوانند دست بطرف سلاحهای خود ببرند. ایوان در روز های بعد هم عده‌ای از آلمانیها را بوسیله نیرنك بدام مرگ انداخت.

اشتباه حساب هیتلر:

محاسبه هیتلر در مورد روسیه شوروی اشتباهات زیادی داشت. هیتلر بسیاری از چیزهارا در روسیه شوروی بحساب آورده و بسیاری چیزهارا یکی از قلم انداخته بود. هیتلر قهرمان ارتش سرخ را بطرز اشتباه آمیزی بحساب آورده و از فرزندان دلاور سرخ یعنی اطفال و کودکان روسیه شوروی را یکی از قلم انداخته بود با وجود این همانگونه که افراد ارتش سرخ زنها و مردها برای سرکوبی دشمن روز و شب کار میکنند این بچه ها نیز دائما با فعالیت بی نظیری در این امر مقدس شرکت میورزند.

نمونه زنده:

… از پیشقدمان که در بین تمام دستجات شوروی … همه … میشناسند … پسر بچه چهارده ساله است موسوم به میشا ایکالف … خانواده او هم مانند بسیاری از خانواده های دیگر بدست هونهای موتوریزه … او دیگر کسی باقی نمانده … برادر … اقدام … و … آلمانها از … انتقام میکشد.

خبرنگار پراودا:

یکی از خبرنگاران پراودا … جنگ … اتفاق … کرد و از … او … داستانی گفت … های افسانه ای بیشتر شباهت داشت. خبرنگار مزبور همه را مولود اوهام و خیالات او میپنداشت. بطوریکه میشا میگفت کارهای عجیبی ازاو سرزده بود دریك مورد یکه و تنها به پشت خط جبهه رفته و شش راس اسب از آلمانیها دزدیده و آنها را برای پارتیزانها جنگجویان غیر نظامی آورده بود؛ در مورد دیگر … نفر آلمانی شده که مامور بوده‌اند از جنگل هیزم بیاورند. همه جا از پشت درختان آنها را تعاقب کرده تا نقطه‌ای که اسلحه خودرا بزمین گذاشتند تبر بدست گرفته شروع به زدن درختها کرده‌اند. آنگاه وی از کمینگاه خارج شده آهسته یکی از سلاحها را برداشته، هرسه نفر را اسیر کرده با پادگان مزبور تحویل داده است.

چهارده نفر آلمانی کشته

خبرنگار که از شنیدن این داستانها دچار حیرت شده و همه را لاف و گزاف پنداشته بود خنده بلندی کرده گفت: «خوب، پهلوان کوچولو تو دیگر چه کار کرده‌ای؟»

پسر بچه باغرور و نخوت گفت: «تا حال روی‌همرفته چهارده نفر آلمانی کشته ام. یك وقت یك پادگان آلمانی را پیدا کردم. آنقدر صبر کردم تا مشغول غذا خوردن شدند ناگهان از کمینگاه بیرون آمدم یك نارنجك آتشی بدرون پادگان انداختم و آنها را کشتم».

در جادهٔ جنگجویان:

خبرنگار از این اندازه یاوه گوئی و لاف خالی بهم برآمد، پسربچه را بحال خود گذاشت به پادگان جنگجویان غیر نظامی رفت؛ ازاو پذیرائی گرمی بعمل آمد. خبرنگار از فرمانده تقاضا کرد داستانی چند از حوادث جنگی را باو بگوید فرمانده تبسمی کرد و گفت. تنها داستان شنیدنی در بین ما داستان پسربچه چهارده ساله‌ایست بنام میشا؛ چون تمام افراد خانواده خودرا ازدست داده بود اورا در نزد خود پذیرفتیم. ابتدا اورا برای انجام کار های آشپزی گماشتیم ولی طولی نکشید که متوجه شدیم بچه کارهای عجیب و غریب میکند. یك روز ناگهان از پیش ما غائب شد. ما خیلی مشوش شدیم. از هر جا سراغ او را گرفتیم اثری ازاو بدست نیامد. روز بعد برگشت و شش اسب آلمانی باخود آورده. یکبار دیگر خبر شدیم که باز غائب شده است. وقتی که باز گشت سه اسیر آلمانی باخود داشت».

تاریخ زندگی

کسی که فرمانده حقیقی نظامی لهستان است

بقیه از صفحه ۱

و افسران جزء مبادرت ورزید.

در سال ۱۹۱٤ از طرف ارتش اطریش تجهیز گشت و اطلاع حاصل کرد که نخستین واحد های نظامی لهستانی برای جنگ بجبهه رفته‌اند. از جبهه صربستان فرار کرد و خودرا در اختیار لژیونهای لهستانی گذاشت. تا سال ۱۹۱۷ تحت بسمت سروانی و سپس سرگردی و بعد نایب سرهنگی در نبرد های واحدهای مزبور شرکت جست.

در سال ۱۹۱۸ مشارالیه یکی از برجسته ترین کسانی بود که از لژیونهای لهستانی را جان تازه‌ای داده و برای جنگ برعلیه اطریش و آلمان مهیا کرد. در این موقع که درجه سرهنگی یافته بود سمت رئیس ستاد سپاه لهستان را داشت. در زمان ۱۹۲۰ درجه … بسمت فرماندهی لشکر دوم پیاده … برقرار شد. در ۱۹۲۱ ژنرال زیبیرسکی برای تحصیل در مدرسه عالی نظامی به پاریس گسیل گشت پس از پایان تحصیلات عالیه نظامی و … دوم ستاد ارتش و … ازطرف وزیر جنگ وقت ژنرال … بسمت معاونت اول اداره … هواپیمائی ارتش (معاون وزارت جنگ) معین و درهمان سال رتبه ژنرالی یافت.

در ۱۹۲۶ یعنی درموقع کودتای پیلسودسکی ژنرال زیبیرسکی با تشبثات دیکتاتوری مشارالیه جدا مخالفت کرد و در راس سواره نظام … برعلیه پیلسودسکی نبرد کرد. پیلسودسکی انتقام گرفت و حکم بازداشت زیبیرسکی و عده دیگر از ژنرالهای مخالف را صادر و مشارالیه را زندانی و کوشش‌هائی کرد … مشارالیه را … اعدام کنند. پس از خروج از زندان زمامداران آن روز لهستان از آزادی و آزار زیبیرسکی چیزی فرو گذار نکردند و … را … ترك وطن … .

پیش از آغاز جنگ ۱۹۳۹ ژنرال زیبیرسکی به لهستان مراجعت کرده و در صفوف ارتش قرار گرفت. در مدت اشغال خاك لهستان ازطرف آلمان ها مشارالیه درراس اتحادیه مخفی افسران جزء احتیاط قرار گرفت و باجمعیت های دیگری که با آلمانها مبارزه میکردند همکاری میکرد و بالاخره در گارد ملی لهستان که جنبه نظامی داشت و در مبارزه برعلیه آلمانها ازدیگران بیشتر فعالیت میکرد داخل شد.

پس از تشکیل کمیته نجات ملی لهستان و اتحاد تمام نیروهای متشکل نظامی درتحت لوای ارتش ملی، ژنرال زیبیرسکی که قدیمترین ژنرال ارتش بود بریاست ارتش مزبور برگزیده شد. مبارزه برعلیه آلمان را متشکل کرد بتمام کشور تعمیم داد و اکنون مشغول ایجاد ستاد ارتش ملی میباشد. نظر بخدمات مشارالیه کمیته نجات ملی مشارالیه را برتبه ژنرالی سپاه ارتقاء داد.

درپنجم ژوئیه ژنرال زیبیرسکی از جبهه آلمان و شوروی عبور کرد تا بمنظور تحصیل اسلحه برای ارتش ملی کوشش کند. ژنرال زیبیرسکی در نتیجه لیاقت و شایستگی خود بدریافت نشان‌های بسیاری ازدول لهستان و دول خارجه و از آن جمله نشان لژیون دونور فرانسه نایل گردیده است. ناگفته نماند که ارتش تحت فرماندهی ژنرال زیبیرسکی اکنون پشت دیوارهای ورشو دوش بدوش ارتش سرخ برای تصرف پایتخت خود مشغول پیکار میباشند.

وضع بازار خوب نیست

وضع بازار روز بروز خرابتر میشود بنا باظهار مطلعین کسادی بازار و سقوط بهای اجناس رکود عجیبی در معاملات کلی ایجاد کرده است مردم بامید ارزانی از خرید خودداری میکنند چون وضع مالی تجار روشن نیست اعتبار و اعتماد نیز دارد کم کم از بین میرود بنا بنوشته روزنامه عصر اقتصاد نطق اخیر چرچیل قدری موجب تسلی تجار شده بود تصور میکردند که ممکن است جنگ طول بکشد و برای این از وحشت بیرون آمده سعی میکردند بامید گرانی اجناس خودرا نگهدارند ولی این یك تاثیر آنی بیش نبود از قراری که مخبر روزنامه خودما اطلاع میدهد دراین چند روزه برنج خیلی تنزل کرده مخصوصا درمازندران مقدار زیادی برنج هست که دارد بواسطه شپشه فاسد میشود اگر برنج تازه برسد بازار برنج کهنه کاملا شکست خواهد خورد ممکن است برنج صدری اعلا را حتی خورده فروشها کیلوده ریال کمتر میفروشند با وجود این میوه و سبزی و سایر مایحتاج ضروری بهمان قیمت سابق خود باقیمانده است شهرداری کوچك ترین قدمی دراینراه نمیخواهد بردارد.

آیا وزارت کشور خبر دارد؟

جواب میخواهیم

شهرداری بدون آگهی قبلی پول آبرا سه برابر کرده با تبعیض عجیبی شروع بجمع آوری نموده است.

میگویند مامورین گفته‌اند که با مردم مطابق سلیقه خود رفتار کنند یعنی اگر توانستید بگیرید اگر نتوانستید اصرار نکنید از این جهت از فقرا و بیچاره‌گان که از هیچ جا اطلاعی ندارند با نرخ تازه از آنها که دستشان بدهنشان میرسد با نرخ سابق پول آب میگیرند. آیا وزارت کشور از کارهای شهرداری یکبام و دو هوای طهران اطلاع دارد؟

آیا رئیس شهرداری میتواند ازجانب خود مالیات تبعیض شده آورا اینجوری تعیین و اجرا بکند؟

برای روشن شدن مطلب ازوزارت کشور جواب میخواهیم.

www.iran-archive.com